

## فلسطین بدون سانسور در دنیای هنر

## گردآوری و ترجمه: آزاده حسینی

[متن پیش‌رو گردآوری و ترجمه‌ی دو مطلب پیرامون سانسور در فضای هنر در مواجهه با کشتار مردم فلسطین و سیاست‌های دوگانه نهادهای هنری است. ترجمه‌ها شامل بیانیه‌ی هنرمندان شرکت‌کننده و کیوریتور نمایشگاه نوستالژی دائمی برای رفتن: تمرینی در مورد میراث با زها حدید<sup>1</sup> در اعتراض به کشتار مردم فلسطین، و مطلبی با عنوان علیه هنرشویی<sup>2</sup> در اعتراض به عملکرد دوسالانه ونیز به عنوان یکی از برجسته‌ترین و معتبرترین رویداد های هنری جهان است.]

بسیاری از هنرمندان در طول تاریخ در مواجهه با رخدادهای اجتماعی و سیاسی که بعضاً منجر به فجایع انسانی غیرقابل جبرانی شده‌اند سکوت نکرده‌اند و با خلق آثار اعتراضی نقش به‌سزایی در ایجاد آگاهی اجتماعی و همراه کردن مردم داشته‌اند و حتی در مواردی موفق به شکل دادن جنبش‌های اجتماعی و ایجاد تغییرات بنیادین شده‌اند. بسیاری از این کنشگری‌ها با بی‌توجهی و عدم حمایت از سوی نهادها و بنیادهای هنری مواجه شده‌اند. هنرمندان معترض اغلب ناچار هستند که برخلاف جریان مرسوم و سیستماتیک دنیای هنر و گالری‌های تجاری حرکت کنند تا به مخاطبان بیشتری دست یابند. با این‌که نهادها و بنیادهای هنری از مزایای نقش‌آفرینی هنر در پیش‌برد اهدافشان غافل نمانده‌اند و از حضور هنرمندان و آثارشان در پروژه‌هایی با محوریت موضوعات اجتماعی بهره می‌برند، به نظر می‌رسد که حمایت آن‌ها از هنرمندان کنشگر در قالب موضوعات گزینش‌شده با اطمینان از رضایتمندی پشتیبان‌های مالی‌شان، در جهت جذب سرمایه‌ی خصوصی و دریافت فاند‌ها انجام می‌شود. حتی دوسالانه‌ها و برگزارکنندگان رویدادهای بزرگ هنری که بعضاً در واکنش به برخی از فجایع ویرانگر انسانی هم‌چون جنگ، سویه‌ای کنشگرانه اتخاذ کرده‌اند و با انتشار بیانیه‌هایی مواضع خود را علنی کرده‌اند، رویه‌ای مشخص و همیشگی را دنبال نمی‌کنند و تا آن‌جا که کنشگری‌شان با هژمونی غالب تداخل نداشته باشد، همراه می‌شوند. حتی موسسات هنری که مأموریت خود را با تأکید بر مبارزه با بی‌عدالتی برای «همه» تعریف کرده‌اند، با پیش‌گرفتن رویه‌ای غیرصادقانه در پیشبرد هدف مورد ادعای خود شکست خورده‌اند و با انکار و نادیده گرفتن وضعیت به تثبیت بی‌عدالتی کمک کرده‌اند.

برای مثال می‌توان به مقایسه‌ی دو وضعیت جنگی که در دو سال گذشته فجایع جبران‌ناپذیری را به بار آورده‌اند و تفاوت حیرت‌انگیز در واکنش‌ها از سوی نهادهای هنری، که موضوع مورد نظر ما در این مطلب است، پرداخت.

از آغاز جنگ روسیه و اوکراین بسیاری از هنرمندان معترض به حمله روسیه، دست به کنش‌های معترضانانه زدند و با حمایت گسترده‌ای از سوی نهادها، موزه‌ها، بنیادهای مالی و دانشگاه‌ها روبرو شدند. در دوسالانه‌ی ونیز در سال ۲۰۲۲، هنرمندان و

<sup>1</sup> A Permanent Nostalgia for Departure | September 22, 2023 | Contemporary Arts Center

<sup>2</sup> Against Art-Washing | Verso Books

کیوریتور غرفه‌ی روسیه برای نشان دادن اعتراض به جنگ از کار خود دست کشیدند. گروهی از کنشگران با نام در تعطیلات<sup>3</sup>، با پوشیدن یونیفرم‌های ارتشی در انتقاد به حمله‌ی روسیه و دست‌اندازی آن به کریمه، غرفه‌ی روسیه را اشغال کردند.<sup>4</sup> آن‌ها همچنین با ارائه‌ی یونیفرم به بازدیدکنندگان دوسالانه، آن‌ها را به اشغال غرفه‌های ملی مختلف در جیوردینی با تأکید ویژه بر روسیه تشویق کردند و از آن‌ها خواستند که از خود سلفی بگیرند و آن را در شبکه‌های اجتماعی با هشتگ **onvacation** به اشتراک بگذارند. عبارت «در تعطیلات» اشاره‌ی تمسخرآمیزی به اظهار نظر الکساندر زاخارچنکو، رهبر جدایی طلب روسیه بود که مدعی شده بود «سربازان روسی از "تعطیلات" در میان برادرانی که برای آزادی خود می‌جنگند، لذت می‌برند».

اما این رویه در واکنش به کشتار دهشتناک مردم فلسطین اعمال نشده است. سخنرانی‌ها و نمایشگاه‌های هنرمندانی به دلیل اعتراض ملغی شده است، کرسی‌های دانشگاهی تعلیق شده‌اند و اعتراضات و بیانیه‌های بسیاری نادیده گرفته شده است. برای نمونه می‌توان از بی‌توجهی و غفلت مدیر و کارکنان مرکز هنرهای معاصر سینسیناتی (CAC) در انتشار بیانیه‌ی همبستگی با فلسطین که از سوی هنرمندان و کیوریتور<sup>5</sup> نمایشگاه «نوستالژی دائمی برای رفتن: تمرینی در مورد میراث با زها حدید» نوشته شده است، نام برد.

آن‌ها درخواست کرده بودند که بیانیه‌ی همبستگی‌شان مبنی بر آتش بس فوری در برابر خصومت‌ها در کنار بیانیه‌ی نمایشگاه‌شان به صورت آنلاین و در داخل نمایشگاه منتشر شود. همچنین بیانیه‌ی آن‌ها بین تمام کارکنان CAC توزیع شود و فضایی برای گفتگو در داخل موسسه فراهم شود. از مخاطبان و بازدیدکنندگان دعوت شود که با تعهد به وظایف سیاسی و مدنی از طریق تماس و نامه‌نگاری با نمایندگان خود برای درخواست آتش بس و پایان اشغال اقدام کنند.

مرکز هنرهای معاصر سینسیناتی تعهد نهادی خود را برجسته کردن و ارتقای روایت‌های ضداستعماری جهانی از طریق برگزاری برنامه‌ها و نمایشگاه‌های عمومی عنوان کرده است. بی‌توجهی و نادیده‌انگاشتن درخواست این گروه از سوی این مؤسسه، آن‌ها را مترصد کرد تا به انتشار بیانیه‌شان با هدف اطلاع‌رسانی در ناکام ماندن مؤسسه در موضع‌گیری در برابر بی‌عدالتی، حمایت از ارزش‌های نهادی مورد ادعای خود و عدم مسئولیت در قبال هنرمندان نمایشگاهی‌اش، اقدام کنند.<sup>6</sup>

متن بیانیه‌ی همبستگی با فلسطین به این شرح است:<sup>7</sup>

«نوستالژی دائمی برای رفتن: تمرینی در مورد میراث با زها حدید»، به مناسبت بیستمین سالگرد مرکز هنرهای معاصر لوئیس و ریچارد روزنتال، اثر زها حدید برگزار می‌شود. این عنوان که برگرفته از متنی از اتل عدنان است، پیامدهای رویدادهای گذشته را در زمان حال به ما یادآوری می‌کند و به حضور و نقش آن می‌پردازد.

<sup>3</sup> On Vacation

<sup>4</sup> Ukrainian Activists Occupy Russia's Venice Biennale Pavilion (artnet.com)

<sup>5</sup> Artists and curator: Rand Abdul Jabbar, Khyam Allami, Emii Alrai, Maite Borjabad, Hamed Bukhamseen, Hera Büyüktaşçıyan, Andrea Canepa, Ali Ismail Karimi, Dima Srouji.

In solidarity: Tai Shani

<sup>6</sup> جمله‌های داخل کروشه از مترجم است.

<sup>7</sup> Palestine Uncensored: Testimonial 7, Letter from artists and curator t | Verso Books

طی یک ماه گذشته، جهان شاهد چرخه‌ی وحشتناک دیگری از حملات بی‌رویه به سرزمین و مردم فلسطین بوده است که توجه جهانیان را به شدتِ ظلم، انسان‌زدایی و تجاوزات مستمر علیه فلسطینی‌ها از سوی نیروهای آپارتاید جلب کرده است. یک نسل‌کشی و یک نقض سیستماتیک حقوق بشر در سطح جهانی با حمایت کامل دولت‌های غربی در حال وقوع است. در طی بیش از ۷۵ سال، اسرائیل اقدامات بی‌شماری از جمله تخریب، تصرف زمین و آوارگی اجباری مرتکب شده‌است، و همچنان به‌طور سیستماتیک به سوءاستفاده از حقوق فلسطینی‌ها، همچون نظارت جمعی، حبس دسته‌جمعی، کنترل حرکت آزاد و محرومیت از حق بازگشت ادامه می‌دهد. سکوت تنها به منزله‌ی رضایت کامل از این تخلفات است. آن‌چه امروز شاهد آن هستیم، یادآوری آشکار از جنون جنگ و «انتقام»، تسلط رسانه‌ای بر روایت‌های دروغین و مغرضانه، و همچنین سکوت و همدستی موزه‌ها و مؤسسات فرهنگی است که با افتخار تعهد خود را در قبال برابری و تنوع اعلام می‌کنند. ما مجموعه‌ای از افراد هستیم که زندگی و کارشان ریشه در مبارزات جهانی علیه امپریالیسم دارد. عنوان نمایش ما طنین بنیادهای متزلزل شده‌ی ماست. در حالی که حضور و عملکرد ما پژواکیست از سرزمین‌های مختلف، در میراث تروماها و آنچه از دست داده‌ایم، همانطور که آنها را تجسم، معنی و متحول می‌کنیم، سهیم هستیم. بیستمین سالگرد ساختمان مرکز هنرهای معاصر (CAC)، مصادف است با بیستمین سالگرد تهاجم به عراق، تجربه‌ای که حافظه‌ی جمعی ما را شکل داده است، و ما به عنوان هنرمند و کیوریتور، از طریق کارمان با میراث خطیری از جدا شدن و از دست دادن که برای ما باقی گذاشته‌است، مبارزه و مقابله می‌کنیم. تنها چند هفته قبل از موج اخیر تشدید خشونت علیه فلسطینیان، ما شاهد آوارگی اجباری آرامنه بودیم که حضور مستمر قومی آن‌ها در آرتساخ هزاران سال به طول انجامیده است. بسیاری از ما می‌توانیم از تجربیات دست اول خود از خشونت و ویرانی وارد شده بر جوامع، شهرها، بناهای فرهنگی و محیط زیست به عنوان پیامد مستقیم درگیری در کارمان استفاده کنیم، و آن دسته که علیه آن صحبت می‌کنند، سکوت و سانسور مداوم را تجربه کرده‌اند. نژادپرستی، ترور و بی‌عدالتی که مردم به دست استعمار متحمل شده‌اند از طریق ما بازتاب می‌یابد.

CAC بیان می‌کند که مأموریتش ریشه در این باور دارد که «هنر و خلاقیت، به عنوان تجربیاتی جهانی، قدرت ایجاد چالش‌هایی را دارند که ما به عنوان شهروندان و جوامع برای ایجاد جهانی عادلانه‌تر باید به آنها بپردازیم». ما موسسه را بر اساس پیشینه آن، به عنوان فضایی می‌شناسیم که به دفاع از آثار هنرمندانی می‌پردازد که در مواجهه با سانسور سیاسی و عمومی حذف شده‌اند. CAC در وب سایت خود تصدیق می‌کند که ساختمانش در زمین‌های اشغالی واقع شده است، و بر تعهد خود به آموزش در مورد تاریخ پیش از استعمار و استعمار به منظور "شناخت روایت‌هایی که سفیدشویی یا پاک شده‌اند" تأکید می‌کند.

با توجه به ادامه محاصره‌ی مسلحانه، انسانی و سیاسی غزه، حمله به کرانه‌ی باختری و جرم‌انگاری در سراسر دیاسپورا، ما از CAC می‌خواهیم با درخواست آتش‌بس فوری و ابراز همبستگی خود با مبارزه‌ی ضداستعماری فلسطین، از ارزش‌های نهادی خود برای آزادی و رهایی از اشغال و آپارتاید حمایت کند. امیدواریم که CAC بتواند تشابهات و پیوندهای عمیقی را که این هدف با جنبش‌های آزادی‌بخش مهم مربوط به بافت و جامعه‌ی خود، به

ویژه مبارزه‌ی آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار علیه برتری سفیدپوست دارد، درک کند. همچنین ذکر این نکته ضروری است که در طول ۷۵ سال گذشته، اسرائیل بزرگترین دریافت‌کننده‌ی خارجی کمک‌های مالی ایالات متحده بوده است، که مالیات‌دهندگان ایالات متحده را مستقیماً در پاک‌سازی قومی و نسل‌کشی مردم فلسطین شریک ساخته است، و بنابراین نیاز فوری در حمایت از این امر را نه تنها به عنوان یک مسئولیت اخلاقی بلکه یک وظیفه‌ی مدنی، بیشتر تقویت می‌کند.

در مجموع، نه تنها می‌توانیم روایت‌های رهایی و استعمارزدایی را بشناسیم و بازیابی کنیم، بلکه می‌توانیم آن‌ها را مستقیماً بر اساس تجربیات شخصی خود بازگو کنیم. انکار این عمل همبستگی تنها به ابزاری کردن کار فکری و هنری ما، علیه ما، می‌انجامد. اکنون زمان آن است که علیه همه‌ی اشکال بی‌عدالتی صحبت کنیم. به عنوان هنرمند و کیوریتور، ما اغلب صدای خود را درباره‌ی ترمیم، شفابخشی و بهبودی در اختیار گفتمان نهادی گذاشته‌ایم. با این حال، امروز ما با این پرسش روبرو هستیم که آیا تعامل ما با موزه‌ها و فضاهای فرهنگی واقعاً با تفکر در نظر گرفته شده است یا این که آثار ما به عنوان سرپوشی بر چارچوب‌های زیربنایی «دیگری بودن»<sup>8</sup> مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. ما معتقدیم که امکان واقعی بهبودی تنها با داشتن شهادت برای زیر سوال بردن وضعیت جهان و مقابله با مشکلات فردی و جمعی، و همچنین مقاومت در برابر فراموشی اجتماعی نسبت به شواهد زمانه و سوابق تاریخ ما حاصل می‌شود. در حالی که دوره‌ی تشدید لفاظی‌های تفرقه‌افکنانه و افزایش هشداردهنده‌ی اسلام‌هراسی و یهودی‌ستیزی را تجربه می‌کنیم، مایلیم موضعی در برابر سکوت و انکار در قبال هر شکلی از ظلم و ستم اتخاذ کنیم و بی‌چون و چرا با خواهران و برادران فلسطینی خود که غم و اندوه آن‌ها را به دوش می‌کشیم، و خواهران و برادران یهودی خود، که رنج آن‌ها به عنوان اسلحه علیه مردم دیگری استفاده می‌شود، متحد بمانیم. ما هم‌چنان به یافتن راه‌هایی برای بازسازی روایت‌های سرکوب‌شده با استفاده از زبانی دگرگون‌کننده برای به رسمیت شناختن و بزرگداشت آن‌ها از طریق کار و زندگی‌مان ادامه خواهیم داد.

[در پیوند با بیانیه‌ی این هنرمندان مطلب پیش رو که از سوی اوهاال گریترز<sup>9</sup> و سالی اورایلی<sup>10</sup> به نگارش درآمده است قابل تأمل است. این مطلب در واکنش به خودداری شصتمین دوره‌ی دوسالانه‌ی ونیز از موضع‌گیری در مورد حمله‌ی وحشیانه‌ی اسرائیل به غزه، و بی‌اعتنایی به درخواست گروهی از هنرمندان مبنی بر ملغی کردن غرفه‌ی اسرائیل منتشر شده است. امضاکنندگان هنر، نه اتحاد در نسل‌کشی<sup>11</sup> استدلال می‌کنند که زمان آن فرا رسیده است که دوسالانه، غرفه‌ی اسرائیل را لغو کند و از فراهم کردن بستری برای هنرشویی نسل‌کشی خودداری کند.]

<sup>8</sup> Otherness

<sup>9</sup> Ohal Grietzer

<sup>10</sup> Sally O'Reilly

<sup>11</sup> یک گروه فعال تازه تاسیس موسوم به هنر، نه اتحاد در نسل‌کشی در نامه سرگشاده آنلاین با عنوان «نه به غرفه نسل‌کشی در بینال ونیز» خواستار حذف اسرائیل از شرکت در شصتمین دوسالانه ونیز شده است که تاکنون بیش از ۱۲۰۰۰ امضاکننده داشته است. این گروه خود را به عنوان یک گروه بین‌المللی از هنرمندان، کیوریتورها، نویسندگان و کارکنان فرهنگی معرفی می‌کند.

در ماه آوریل ۲۰۲۴، دوسالانه‌ی ونیز شصتمین نمایشگاه بین‌المللی هنر خود را افتتاح کرد. در آخرین دوره‌ی [این] دوسالانه در سال ۲۰۲۲، [که مصادف با جنگ روسیه و اوکراین بود] هنرمندان و کیوریتور غرفه‌ی روسیه برای نشان دادن اعتراض از کار خود دست کشیدند و یک مداخله‌ی ژئوپلیتیکی قابل توجه در واکنش به جنگ در حال وقوع در اوکراین را رقم زدند. در آن سال، دوسالانه با صدور بیانیه‌ای عمومی موضع رسمی گرفت و همچنین در مقدمه‌ی کاتالوگ نمایشگاه، متنی در محکومیت صریح «اقدامات تجاوزکارانه»ی روسیه منتشر کرد. گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد که امسال نیز غرفه‌ی روسیه در بینال وجود نخواهد داشت. اما چنین موضعی در پاسخ به ادامه‌ی حمله‌ی اسرائیل به غزه اتخاذ نشده است. کشور اسرائیل در نمایشگاه امسال با عنوان خارجی‌ها در همه‌جا<sup>13</sup> به کیوریتوری آدریانو پدروسا<sup>14</sup> شرکت خواهد کرد. غرفه‌ی اسرائیل در جیوردینی<sup>15</sup> میزبان نمایشگاهی از هنرمند روت پاتیر<sup>16</sup> به کیوریتوری میرا لاپیدوت<sup>17</sup> و تمار مارگالیت<sup>18</sup> خواهد بود.

تا زمان نگارش این مطلب، اسرائیل ۳۰۳۵ نفر از جمله بیش از ۱۳۰۰۰ کودک را در غزه و کرانه‌ی باختری کشته است. اخیراً دیوان بین‌المللی دادگستری حکم داد که حمله‌ی مداوم اسرائیل می‌تواند به معنای نسل‌کشی علیه فلسطینیان در غزه باشد. علی‌رغم وسعت مرگ و میر و تخریب و مشاهده‌ی زنده‌ی این نابودی، باوجود تعداد سهمگین کشته‌ها و مجروحان، و اذعان آن از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری، متحدان اسرائیل – از جمله ایالات متحده‌ی آمریکا، بریتانیا و آلمان – حمایت بی‌دریغ خود را از اسرائیل حفظ کرده‌اند. آن‌ها همچنان به تأمین بودجه‌ی نظامی برای اسرائیل ادامه می‌دهند و اکنون که تعداد کشته‌ها بسیار زیاد شده است و همچنان رو به افزایش است، تنها با ملایم‌ترین عبارات شروع به انتقاداتی کرده‌اند. آن‌ها به جای این‌که مسیر آتش‌بس را از طریق اعمال تحریم‌ها و فشارهای دیپلماتیک هدایت کنند، از ارتشی که حقوق میلیون‌ها فلسطینی سرکوب‌شده‌ی تحت اشغال اسرائیل و آپارتاید را تضعیف کرده، حمایت مالی کرده‌اند. این فقدان اقدام به تحریم رسمی یا دولتی، مسئولیت اخلاقی توقف همدستی با این بی‌عدالتی غیرقابل تحمل را بر عهده‌ی جامعه‌ی مدنی قرار می‌دهد.

از زمان صدور حکم دیوان بین‌المللی دادگستری، فلسطینی‌های ساکن غزه و ایالات متحده، علیه بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، بلینکن وزیر امور خارجه و آستین وزیر دفاع در دادگاه فدرال آمریکا شکایت کرده‌اند و مقامات را به ناتوانی در جلوگیری از نسل‌کشی اسرائیل در برابر ۲.۲ میلیون فلسطینی در غزه متهم کرده‌اند. اگرچه قاضی شواهد قابل‌قبولی از نسل‌کشی اسرائیل علیه فلسطینیان در غزه یافت، اما این پرونده به دلایل قضایی رد شد. در هلند، یک دادگاه هلندی به دولت دستور داد تا صادرات قطعات جنگنده‌ی اف-۳۵ به اسرائیل را به دلیل نگرانی در مورد استفاده از آن‌ها در نقض قوانین بین‌المللی در جریان درگیری غزه متوقف کند. دولت هلند قصد خود را برای شکایت به دیوان عالی اعلام کرد و مدعی شد که اختیار تعیین سیاست

<sup>12</sup> Against Art-Washing | Verso Books

<sup>13</sup> Stranieri Ovunque – Foreigners Everywhere

<sup>14</sup> Adriano Pedrosa

<sup>15</sup> Giardini

<sup>16</sup> Ruth Patir

<sup>17</sup> Mira Lapidot

<sup>18</sup> Tamar Margalit

خارجی بر عهده‌ی دولت است نه قوه‌ی قضاییه. چه چاره‌ای در دسترس است وقتی یک دادگاه نسل کشی را تایید می کند اما پرونده‌ای را برای متوقف کردن حمایت نظامی رد می کند؟ یا زمانی که یک دادگاه تصمیم می گیرد حمایت نظامی را متوقف کند و دولت اقتدار خود را به چالش می کشد؟

اگر گفتمان حقوق بین‌الملل برای از بین بردن ساختارهای به ظاهر نفوذناپذیر بی‌عدالتی و ظلم ناکافی است، چالش برای یافتن راه‌های دیگر بر عهده‌ی ماست، از جمله آن‌هایی که در میان ما هنرمند و فعالان فرهنگی هستند.

هنرمندان و کیوریورها در شبکه‌ی ژئوپلیتیکی حضور دارند و در آن مداخله می‌کنند. اقدامات آن‌ها می‌تواند باعث نفی و تقویت سیستم‌های ظلم محلی و جهانی شود. بسیاری از فرهنگیان می‌دانند که کارشان به‌طور پیچیده‌ای در تار و پود جامعه تنیده شده است و عملکردشان متأثر و شکل گرفته از عوامل خارجی است. چنین ایده‌هایی اغلب در بیانیه‌های کیوریوری مدیران هنری منتخب دوسالانه نقش محوری دارند؛ در عین حال که تلاش می‌کنند با چالش‌ها و مشکلاتی که ممکن است به دلیل بزرگی پروژه پیش آید، مقابله کنند. در حالی که دوسالانه‌ی ونیز متمرکز بر هنر، موقعیت و مانورهای بازار به عنوان عوامل تعیین‌کننده برای انتخاب در دوسالانه و یا حذف از آن است، ژئوپلیتیک نیز همواره در آن درگیر بوده است.

دوسالانه سهم خود را در کنش‌های سیاسی داشته است: جنگ ضدویتنام و اعتراضات کارگری در سال ۱۹۶۸، تقدیم نسخه‌ی ۱۹۷۴ از سوی رئیس سوسیالیست ایتالیایی دوسالانه، کارلو ریپا دی میانا<sup>۱۹</sup> به مخالفان شیلی با رژیم پینوشه، و سه سال بعد سخنرانی جنجالی او برای مخالفان شوروی؛ و اشغال مجموعه‌ی پگی گوگنهایم<sup>۲۰</sup> در سال ۲۰۱۵، در اعتراض به شرایط کار برای مهاجران در خلیج و فلسطینیان در کرانه‌ی باختری از سوی فعالان G.U.L.F. (فراکسیون جهانی فوق لوکس)<sup>۲۱</sup> و کارگران غرفه‌ی اسرائیل، به همراه سازمان‌های کارگری ایتالیای فروش اسکله<sup>۲۲</sup> و ماکائو<sup>۲۳</sup>. قابل ذکر است، در پاسخ به قطعنامه‌ی ۲۳۹۶ سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۸ در مورد سیاست‌های آپارتاید دولت آفریقای جنوبی که از همه‌ی دولت‌ها و سازمان‌ها خواسته بود مبادلات فرهنگی، آموزشی، ورزشی و غیره با رژیم نژادپرست را متوقف کنند، دوسالانه رسماً دولت آفریقای جنوبی را از شرکت منع کرد.

پذیرش دخالت اسرائیل به هر عنوان در شصتمین دوره‌ی دوسالانه، چه از طریق هیئت‌های رسمی، نهادهای یا افراد وابسته به دولت اسرائیل، تأیید اعتبار رژیمی است که در حال حاضر درگیر اقدامات تجاوزکارانه علیه فلسطینیان در غزه و کرانه‌ی باختری است.

در دوسالانه‌ی امسال، هنرمند نماینده‌ی اسرائیل «غرفه باروری» خود را ارائه خواهد کرد، یک داستان تخیلی محترکانه در مورد مادرانگی. این در حالی‌ست که اسرائیل با مصونیت از هرگونه مجازاتی همچنان از کمک‌های پزشکی به زنان باردار

<sup>19</sup> Carlo Ripa di Meana

<sup>20</sup> Peggy Guggenheim

<sup>21</sup> G.U.L.F. (Global Ultra Luxury Faction)

<sup>22</sup> Sale Docks

<sup>23</sup> Macao

خودداری می‌کند و باعث می‌شود بسیاری از آن‌ها بدون بی‌هوشی در خیابان زایمان کنند و کودکان فلسطینی و مادرانشان از گرسنگی بمیرند و یا کشته شوند. در حالی که بازدیدکنندگان دوسالانه از تجسم مجدد الهه‌های باروری باستانی لذت می‌برند، اسرائیل در حال ارتکاب یک کشتار بیش از حد واقعی است. وقت آن رسیده است که دوسالانه این غرفه را لغو کند و اجازه ندهد اسرائیل بستری برای هنرشویی نسل‌کشی فراهم آورد.

بسیاری از هنرمندان مدعی هستند که عملکرد خود را بر اساس تعهدات اجتماعی بنا می‌کنند، اما وقتی با واقعیت وحشتناکی از قتل ده‌ها هزار نفر و معلولیت ده‌ها هزار نفر دیگر مواجه می‌شوند، این مسئولیت واقعی نادیده گرفته می‌شود. این گفتمان، استعمارزدایی و آزادی‌بخشی دنیای هنر را خالی می‌سازد - گویی هنر به نظم دیگری از واقعیت بی‌معنا تعلق دارد. این یک شکست اخلاقی برای جهان هنر بین‌المللی به‌طور کلی و به‌ویژه دوسالانه است که به غرفه نسل‌کشی اسرائیل یک چهره‌ی فرهنگی بین‌المللی ببخشد.

هم‌چون فیفا و یوروویژن، دوسالانه باید تحت فشار قرار گیرد تا اسرائیل را به دلیل جنایات مستمرش علیه مردم فلسطین از مشارکت منع کند، در غیر این صورت، مضمون «خارجی‌ها در همه جا»، با ارجاع آن به حمایت از هنرمندان بومی و رد بیگانه‌هراسی، یک مزخرف پوچ است. وقتی بازدیدکنندگان دوسالانه در انتزاع باروری غوطه‌ور می‌شوند، مردم غزه با پرتگاه بایر بسیار واقعی ورشکستگی اخلاقی اسرائیل روبرو خواهند شد. برابری، مسئولیت‌پذیری و عدالت اجتماعی فقط برای بیانیه‌های مطبوعاتی نیست. جلای استعمارزدایی یا هر مقداری از نقد نهادی حقیقت تلخ را پنهان نخواهد کرد. اگر آزادی و رهایی فراتر از واژه‌های رایج دنیای هنر اهمیت واقعی داشته باشد، و دوسالانه مترصد حمایت از مأموریت خود در حفظ تمامیت اخلاقی باشد، باید اسرائیل را از برنامه‌ی ۲۰۲۴ خود حذف می‌کرد.

[پس از نگارش این متن و طی چند روز گذشته، هنرمند و کیوریتورهای غرفه اسرائیل از باز کردن غرفه سرباز زدند و با چسباندن کاغذی بر ورودی غرفه در بیانیه کوتاهی خواستار آتش‌بس و آزادی گروگان‌ها شدند. تا لحظه انتشار این مطلب حمایتی از سوی دوسالانه و یا نهادهای مرتبط صورت نگرفته است و موضع و نقد بیانیه‌های مطرح شده در این مقاله درباره سیاست‌های دوگانه نهادهای هنری به قوت خود باقیست.]